

دنیای دوستی

یک جمله فلسفی از گذشته‌های دور به جا مانده که می‌گوید: انسان موجودی اجتماعی است! و نتیجه منطقی این گفته که همه به نوعی آن را قبول دارند (البته همین نکته خودش جای بحث دارد!) این است که یک موجود اجتماعی در قالب اجتماع و گروه می‌تواند یک زندگی عادی و سلامت را دنبال کند.

به طور ساده همه ما نیاز به روابطی داریم که در آنها احساس آرامش، دوست داشتن و دوست داشته شدن کنیم و بهترین نوع این روابط در قالب اجتماع دوستی‌هایی است که بین افراد مختلف به شکل‌ها و دلایل گوناگون شکل می‌گیرد. اصولاً کسی وجود ندارد که نیاز انسان به دوست را انکار کند و همه ما کمابیش گروهی دوست دور و بر خودمان داریم که جنبه‌های مختلف زندگی را با آنها تجربه می‌کنیم. این دوستان می‌توانند همکلاسی‌های دوران مدرسه یا دانشگاه، همکاران و یا هر فرد دیگری را شامل شوند.

مهم این است که روابط دوستانه زمانی شکل می‌گیرند که نقاط اشتراک افراد به حدی است که آنها را به هم نزدیک کند. اما واقعاً کدام یک از ما می‌تواند ادعا کند که هیچ وقت در انتخاب دوستانش اشتباه نکرده است؟ اگر شما متوجه این اشتباه خود شوید، زمانی که دوستان عزیز شما شروع به ایجاد مشکل و دردسر برای شما می‌کنند، اعصابتان را به هم می‌ریزند و رفتارهای آنها شکل آزاردهنده‌ای به خود می‌گیرد، چه می‌کنید؟

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که در روابط نزدیک همیشه گذشت و بخشش یک نکته مهم محسوب می‌شود. اما واقعاً این بخشش تا کجا و به چه بهایی باید انجام شود؟ اگر دوست شما جای برادری را که هیچ وقت نداشته‌اید بگیرد، آیا توجیه منطقی وجود دارد که به هر قیمتی شده

او را در زندگی خود حفظ کنید؟ دوست یا آشنا؟ به طور حتم همگی اعتراف می‌کنند که دوستان خوب هم خیلی کم هستند و هم خیلی ارزشمند .

حتی اگر شما سه تا دوست خوب داشته باشید، شاید بتوان به جرأت گفت که فرد خیلی خوش‌شانسی در زندگی‌تان به حساب می‌آید، چون بین دوست خوب و آشنایان صرف، تفاوت فراوانی وجود دارد. آشنایان می‌آیند و می‌روند و معمولاً تأثیر چشمگیری بر زندگی شما نمی‌گذارند، در حالی که دوستان خوب معمولاً در سختی‌ها و بالا و پایین‌های زندگی شما را تنها نمی‌گذارند و به یاری‌تان می‌شتابند .

به همین دلیل است که ما همیشه سعی می‌کنیم نکات خوب و بد دوستانمان را با یکدیگر ببینیم و در واقع تحمل بیشتری نسبت به آن دسته از رفتارهایشان که برایمان چندان خوشایند نیست نشان دهیم، با این تصور که خوبی‌های آنها فراتر از بدی‌هایشان است و به هر حال ارزش این تحمل و چشم‌پوشی را دارد. اما از منظر دیگری، با این کار شما به دوستانتان اجازه می‌دهید که وجود شما را یک مورد محرز تلقی کرده و هیچ وقت حتی به این موضوع فکر هم نکنند که ممکن است بعضی از اخلاق‌های او شما را به‌طور مداوم تا سر حد جنون آزار بدهد .

خوب آیا این واقعاً معنای دوستی واقعی است؟ بعید است جواب کسی به این سوال مثبت باشد... ! بنابراین اگر شما چنین کسانی در جمع دوستانتان دارید، شاید واقعاً وقتش رسیده باشد که موضوع را به‌طور جدی مورد بررسی قرار دهید.